



درس نهم بانوی قهرمان

هدیه های آسمانی
پایه سوم دبستان



وارد قصر می شویم. جشن بزرگی برپا کرده اند.
افرادی با لباس های رنگارنگ دو طرف تخت یزید ایستاده اند و به ما که
اسیر هستیم نگاه می کنند.

نگاهم به عمه ام زینب است که آرام راه می رود.
انگار نه انگار که این همه سختی کشیده است؛
بعد از شهادت بابا دیگر ندیدم که عمه راحت خوابیده باشد. شب ها
بیدار میماند و ما را در آغوش می گیرد.
اشک چشمان ما را با دستان زخمی پاک می کند
و آن قدر ما را نوازش می کند تا خوابمان ببرد.
سپس در گوشه ای به دعا و راز و نیاز با خدا مشغول میشود.
اما امروز در برابر دشمنان، عمه سرش را بلند کرده است و محکم قدم
برمی دارد.

نگهبان از ما می خواهد بنشینیم. من کنار عمه می نشینم.
همه ی بچه ها، ترسان و نگران به کنار عمه می آیند.
عمه زینب همه را در آغوش می گیرد و به آرامی نوازش می کند.
دلش شکسته است، ولی به روی ما لبخند می زند.

یزید با صدای بلند می خندد. اطرافیان او با خنده ی یزید می خندند و به ما نگاه می کنند.
ناگهان عمّه از جایش بلند می شود و با صدای بلند می گوید:
یزید، فکر می کنی چون به ما سختگیری کردی و ما را مانند اسیران به اینجا آوردی، ما خوار شدیم
و تو عزیز شدی؟
صدای عمّه ام در تمام قصر می پیچد. در یک لحظه همه ساکت می شوند.
اطرافیان یزید با ترس به یزید نگاه می کنند.
اما عمّه همچنان سخنرانی می کند:
زیاد خوش حال نباش! وقتی پیش خدا حاضر شوی، آرزو می کنی که ای کاش، این روز را نمی دیدی
یزید فقط نگاه می کند و مثل مرده ها بی حرکت مانده است.

* * *

مردم با ترس و وحشت به یکدیگر نگاه می کنند. دیگر کسی به ما نگاه نمی کند و نمی خندد.
سرم را بلند می کنم. به عمّه نگاه می کنم.
انگار که دیگر اسیر نیستم.



بدانیم

خداوند به امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه، دختری هدیه داد. رسول خدا خیلی خوش حال شد و نام او را زینب گذاشت. زینب سلام الله علیها از کودکی در کنار امام حسن و امام حسین بزرگ شد و دستورات دینی را از پدر و مادر خود یاد گرفت. او زنی دانشمند و اهل عبادت بود و به زنان شهر کوفه قرآن آموزش می داد. وقتی امام حسین علیه السلام به همراه خانواده ی خود به سوی کربلا حرکت کرد، زینب نیز در کنار برادر بود. او در کربلا و حادثه های بعد از آن، سختی های زیادی را تحمل کرد و به همین دلیل، ایشان به صبر و شجاعت و فداکاری معروف شده است. روز تولد این بانوی بزرگ را روز پرستار نامیده اند. می دانید چرا؟

علت نام گذاری این روز به نام «روز پرستار» این است که حضرت زینب پرستاری امام زمانش حضرت زین العابدین علیه السلام و دیگر بیماران و مصیبت زدگان اهل بیت را برعهده داشت.



دوست دارم

من هم در زندگی مانند حضرت زینب سلام الله علیها،.....

در برابر دشمن و سختی ها مقاوم و صبور باشم . به بچه های یتیم و درد کشیده توجه و محبت کنم





کامل کنید

یزید و اطرافیانش چقدر در اشتباه بودند که...

.....

آب را روی امام حسین و فرزندان بستند
کودکان و بیماران را شکنجه دادند



گفت و گو کنیم

کدام بخش‌های داستان «بانوی قهرمان» به این ویژگی‌های حضرت زینب سلام الله علیها اشاره می‌کند؟

عبادت

فداکاری

شجاعت

شجاعت: امروز در برابر دشمنان، عمه سرش را بلند کرده است و محکم قدم بر می‌دارد

فداکاری: بعد از شهادت بابا دیگر ندیدم که عمه راحت خوابیده باشد، او برای ما هم عمه است هم بابا

عبادت: سپس در گوشه‌ای به دعا و راز و نیاز با خدا مشغول می‌شود

بَیْنَدِشِیم

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
صبور باشید، که خدا با صابران است.

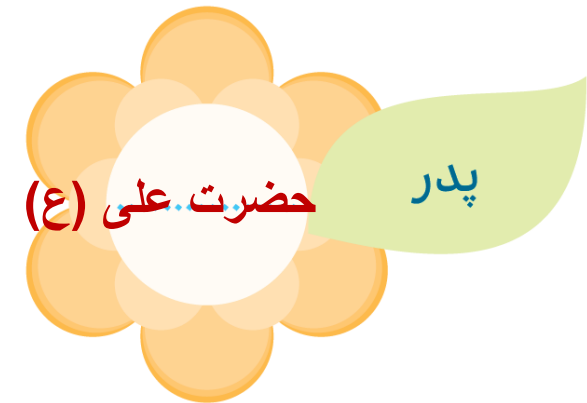
سوره انفال، آیه ۴۶

حضرت زینب سلام الله علیها به پیام این آیه عمل کرده است. می توانی
بگویی چگونه؟

صبوری در مقابل ستم هایی که یزید به او می کرد
صبوری بعد از به شهادت رسیدن برادرش امام حسین
صبوری در مقابل توهین هایی که مردم به او می کردند

بگرد و پیدا کن

نام اعضای خانواده‌ی حضرت زینب سلام الله علیها را در گلبُرگ‌ها بنویس.



با خانواده

با استفاده از این کلمات، متن زیر را کامل کنید.

اسلام دفاع فرزندان امام حسین علیه السلام دشمنان فداکاری

ما حضرت زینب سلام الله علیها را خیلی دوست داریم؛ زیرا

او در راه دفاع از اسلام، جان خود را به خطر انداخت و
دشمنان را روسیاه کرد. او از فرزندان امام حسین (ع) با
جان و دل مراقبت کرد و با فداکاری و از خود گذشتگی
از زخمی ها و بیماران پرستاری می کرد



درس ششم

روز تولد حضرت زینب را روز نامیده اند.

نام پدر و مادر حضرت زینب (س) چه بود؟

پس از حادثه کربلا حضرت زینب چه کردند؟

بعد از سخنرانی حضرت زینب در کاخ یزید چه اتفاقی افتاد؟